

در طی سالیان متمادی بحث جالب توجهی درباره هدف زندان وجود داشته است. سؤال این است که آیا زندان باید فقط برای «تنبیه» کردن مجرم به کار رود تا افرادی که در زندان هستند پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نشوند و یا هدف «اصلاح» مجرم است یا به عبارت دیگر هدف این است که افرادی که به زندان فرستاده می شوند در مدتی که در زندان هستند اصلاح شوند و درک کنند که ارتکاب جرم عملی اشتباه بوده است و نیز مهارت هایی به آنها آموخته شود تا پس از آزادی یک زندگی توأم با احترام به قانون را برگزینند.<sup>۱</sup>

اگر نظر ما نظر دوم در این زمینه باشد که نظریه غالب نیز هست، در این صورت باید بپذیریم که افزایش رو به رشد جمعیت کیفری در زندان ها عملاً نیل به این هدف را غیر ممکن ساخته و مشکلات متعددی را برای زندانیان، خانواده های آنان و دولت ها به وجود آورده است. به همین علت سازمان ملل از ابتدای تاسیس با توجه به مشکلات موجود در مورد اداره زندان ها، اسناد بین المللی متعددی را در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین و عدالت کیفری تدوین کرده است. کنگره های سازمان ملل راجع به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین<sup>۲</sup> نیز در روند ایجاد قواعد در این زمینه نقش به سزایی داشته است.<sup>۳</sup> این کنگره در اولین سال تشکیل خود در سال ۱۹۵۵ «حداقل قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان»<sup>۴</sup> را به تصویب رساند. پس از آن در کنگره ششم سازمان ملل، قطعنامه شماره ۸ با عنوان جایگزین های حبس تصویب شد. در کنگره هفتم سازمان ملل نیز قطعنامه شماره ۱۶ با عنوان کاهش جمعیت کیفری زندان، جایگزین های حبس و ادغام اجتماعی مجرمین به تصویب رسید. سرانجام شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در

# تدابیر جایگزین در اسناد بین المللی

منیره نافونی

دادیار ناظر زندان دادسرای عمومی و انقلاب

اشاره

زندان قرن هاست که در بسیاری از جوامع وجود دارد. استفاده از زندان به عنوان یک مجازات مستقیم توسط دادگاه ابتدا در قرن هجدهم در کشورهای غربی توسعه پیدا کرد. پس از آن در نتیجه سیطره مستعمراتی استفاده از زندان به تدریج در بسیاری از کشورهای مستعمره نیز گسترش پیدا کرد. بدین ترتیب در بسیاری از کشورهای مستعمره که با مفهوم زندانی کردن افراد آشنایی نداشتند مدت ها طول کشید تا زندان با فرهنگ بومی منطبق شود. اینک پس از گذشت قرن ها از نهادینه شدن زندان به عنوان یک مجازات، بحث های زیادی راجع به کارآمد بودن و آثار و پیامدهای آن وجود دارد که این امر موجب مطرح شدن جایگزین های مجازات زندان گشته است. در این نوشتار، اسناد بین المللی مرتبط با این موضوع، بررسی می شود.

سال ۱۹۸۶ قطعنامه ای راجع به جایگزین های حبس تصویب کرد و در آن از دبیر کل سازمان ملل درخواست کرد تا گزارشی راجع به جایگزین های حبس تهیه کند و آن را به هشتمین کنگره سازمان ملل ارائه دهد و موضوع جایگزین های حبس را با هدف تدوین اصول اساسی در این زمینه با همکاری مؤسسات سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین مورد مطالعه قرار دهد. بدین ترتیب در هشتمین کنگره سازمان ملل بحثی تحت عنوان «سیاست های عدالت کیفری در رابطه با مشکلات زندان، سایر مجازات های کیفری و اقدامات جایگزین» مطرح شد و مجمع عمومی سازمان ملل در سازمان ۱۹۹۰ قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۰ خود تحت عنوان «حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل راجع به اقدامات غیر بازداشتی» موسوم به قواعد توکیو<sup>۵</sup> را به تصویب رساند.

در این قطعنامه از کشورهای عضو خواسته شده است تا با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سنت های خود این قواعد را در سیاستگذاری های خود و در عمل به اجرا درآورند. همچنین از کشورهای عضو دعوت شده است تا به خصوص این قواعد را به اطلاع دادستان ها، قضات صادر کننده حکم، قضات اجرای احکام، وکلا، مجرمین، قربانیان جرم، سازمان های خدمات اجتماعی و غیر دولتی که نقش مهمی در اجرای مجازات های جایگزین دارند، اعضای قوه مجریه، قوه مقننه و عموم مردم برسانند.

این قطعنامه از کشورهای عضو خواسته است تا از شروع سال ۱۹۹۴، هر پنج سال یک بار گزارشی از اجرای قواعد توکیو به سازمان ملل ارائه دهد و از دبیر کل خواسته است تا قواعد توکیو را از طریق ابلاغ به دولت ها، سازمان های بین المللی، سازمان های غیر دولتی ذینفع و سایر موسساتی که به نوعی در اجرای مجازات های جایگزین نقش دارند در حد وسیعی توزیع کند و هر پنج سال یک بار از سال ۱۹۹۴ گزارشی در مورد اجرای این قواعد برای ارائه به کمیته پیشگیری و کنترل جرم سازمان ملل تهیه کند.

علاوه بر قواعد توکیو که در سطح بین المللی به تصویب رسیده است، در سطح منطقه ای نیز معیارهای اروپایی در این زمینه وجود دارد. کمیته وزیران شورای اروپا در سال ۱۹۹۲ توصیه نامه شماره ۹۲ خود تحت عنوان «قواعد اروپا راجع به مجازات ها و اقدام های اجتماعی»<sup>۶</sup> را در این زمینه به تصویب رساند که پیوست شماره ۲ این مقاله شده است. این قواعد حاوی ضوابطی در مورد چگونگی اجرای مجازات های جایگزین است.

مبنای مقاله حاضر بر بررسی قواعد توکیو قرار گرفته و در برخی موارد به قواعد اروپا در این زمینه نیز اشاره شده است. این مقاله به هشت فصل تقسیم بندی شده است. در فصل اول اصول کلی قواعد توکیو مورد بررسی قرار گرفته است. در فصول دوم، سوم و چهارم مجازات های جایگزین حبس در مرحله پیش از محاکمه، مرحله محاکمه و مرحله

پس از محاکمه مورد بررسی قرار گرفته است. فصل پنجم به اجرای مجازات های جایگزین اختصاص داده شده و فصول ششم و هفتم به چگونگی به کارگیری کارکنان و مشارکت اجتماعی در اجرای مجازات های جایگزین اختصاص داده شده است و سرانجام فصل هشتم به تحقیقات و برنامه ریزی در مورد این مجازات ها اختصاص دارد. منابع مورد استفاده در این مقاله نیز از اینترنت جمع آوری شده و تلاش بر آن بوده است تا جدیدترین منابع در این زمینه مورد استفاده قرار گیرند.

## تعداد و نوع مجازات های

### جایگزین که قاضی

### صادر کننده رای در

### اختیار دارد باید به

### گونه ای باشد که مجازات

### مناسب امکان پذیر شود.

### علاوه بر این مجازات های

### جایگزین جدید نیز باید

### بطور مستمر ایجاد شوند

### و استفاده از آنها باید مورد

### ارزیابی قرار گیرد

## ◆ فصل اول - اصول کلی

قواعد توکیو مجموعه ای از اصول اساسی را ارائه می دهد تا بدان وسیله استفاده از مجازات های جایگزین را توسعه دهد و حمایت هایی را برای مجرمینی که مشمول مجازات های جایگزین قرار گرفته اند ایجاد کند. هدف قواعد این است که مشارکت جامعه را در سیستم کیفری به ویژه از حیث درمان و اصلاح رفتار مجرمین افزایش دهد و این احساس را در مجرمین افزایش دهد که در قبال جامعه مسئول هستند.

در ماده ۳۰ قواعد اروپا نیز مقرر شده است که هدف از یک مجازات جایگزین باید این باشد که احساس مسئولیت مجرم را در قبال جامعه به طور اعم و در قبال قربانی جرم به طور اخص افزایش دهد.<sup>۷</sup>

قواعد توکیو باید با در نظر گرفتن شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور و اهداف سیستم عدالت کیفری آن به اجرا در آید. کشورها باید در هنگام اجرای این قواعد تلاش کنند تا اطمینان یابند توازن مناسبی بین حقوق مجرمین، حقوق قربانیان جرم، امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم ایجاد شده است. کشورها باید مجازات های جایگزین را در قوانین خود داخل کنند تا بدین وسیله مجازات های دیگری ایجاد شود و بدین ترتیب استفاده از مجازات حبس کاهش یابد.

قواعد توکیو در مورد کلیه اشخاصی که تحت تعقیب،

تحت محاکمه یا اجرای حکم هستند اجرا می شود. به عبارت دیگر این اشخاص همگی در این قواعد «مجرم» نامیده شده اند صرفنظر از اینکه تحت تعقیب هستند، محکوم شده اند یا در حال اجرای مجازات هستند. این قواعد باید بدون هیچگونه تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، سن، زبان، مذهب، اعتقادات سیاسی، منشا ملی یا اجتماعی، اموال و داری، تولد یا سایر خصوصیات به اجرا درآیند.

به منظور ایجاد قابلیت انعطاف بیشتر منطبق با ماهیت و شدت جرم، شخصیت و سابقه مجرم، حفظ امنیت اجتماع و خودداری از استفاده غیر ضروری از مجازات حبس، سیستم قضایی باید برای وضعیت های قبل از محاکمه تا بعد از اجرای حکم یک سری مجازات های جایگزین را ایجاد کند. به عبارت دیگر تعداد و نوع مجازات های جایگزین که قاضی صادر کننده رای در اختیار دارد باید به گونه ای باشد که مجازات مناسب امکان پذیر شود. علاوه بر این مجازات های جایگزین جدید نیز باید بطور مستمر ایجاد شوند و استفاده از آنها باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

به موجب قواعد توکیو مجازات های جایگزین قبل از محاکمه باید به گونه ای متنوع باشد که تا حد ممکن از رسیدگی رسمی در دادگاه خودداری شود و به عبارت دیگر استفاده از مجازات های جایگزین باید بخشی از جریان حرکت به طرف کیفرزدایی و قضازدایی باشد.

ایجاد، تعریف و اجرای مجازات های جایگزین نیز باید در قانون تعیین شود. انتخاب یک مجازات جایگزین باید براساس ارزیابی معیارهای مشخصی از قبیل ماهیت، شدت جرم، شخصیت و سابقه مجرم، هدف از مجازات و در نظر گرفتن حقوق قربانی جرم باشد.

مسئله قابل توجه در قواعد توکیو این است که تعیین یک مجازات جایگزین که تعهدی را برای مجرم ایجاد می کند مستلزم رضایت مجرم است. تصمیم گیری در مورد تعیین یک مجازات جایگزین باید توسط مقام قضایی یا یک مقام صالح مستقل دیگر و براساس درخواست مجرم صورت گیرد. مجرم باید این حق را داشته باشد که در مورد اجرای مجازات جایگزینی که بر حقوق شخصی او تاثیر می گذارد شکایتی به مقام قضایی یا مقام مستقل دیگر ارائه دهد. بدین ترتیب در مورد مجازات های جایگزین باید مکانیزم مناسبی ایجاد شود تا در صورتی که شخصی مجازات جایگزین را منطبق با حقوق بشری که از نظربین المللی شناخته شده است نداند، بتواند به یک مقام بالاتر توسل کرده و شکایت خود را ارائه دهد.

مجازات جایگزین نباید شامل آزمایش پزشکی یا روانی باشد یا خطر غیر ضروری را از حیث صدمه جسمی یا روحی برای مجرم داشته باشد. حیثیت مجرمی که مجازات جایگزین در مورد او اجرا می شود باید در تمام مراحل حفظ شود. در اجرای مجازات جایگزین حقوق مجرم نباید

بیشتر از آنچه که مقام قضایی در تصمیم اصلی خود مجاز شمرده شده است محدود شود. در اجرای مجازات جایگزین زندگی خصوصی مجرم و نیز زندگی خصوصی خانواده وی باید مورد احترام قرار گیرد. سوابق شخصی مجرم باید کاملاً محرمانه باشد و دسترسی به سوابق باید فقط محدود به اشخاصی باشد که مستقیماً با پرونده مجرم سر و کار دارند و یا سایر اشخاصی که دسترسی آنها به پرونده طبق قانون مجاز شمرده شده است.

## ◆ فصل دوم - مرحله پیش از محاکمه

در صورتی که سیستم قضایی یک کشور اجازه دهد، پلیس یا دادسرا یا سایر نهادهایی که با پرونده های کیفری سر و کار دارند باید این حق را داشته باشند که در صورتی که دریابند برای حفظ امنیت اجتماع، پیشگیری از جرم، حاکمیت قانون و حفظ حقوق قربانی نیازی به رسیدگی به پرونده مجرم در دادگاه نیست، مجرم را آزاد کنند.

در واقع پلیس و دادستان ها اغلب نقش تعیین کننده ای در سیستم های قضایی دارند. این مسئله فقط محدود به مجرمینی نمی شود که جرم آنها به قدری کم اهمیت است که احتمال دارد در دادگاه محکوم به مجازات حبس نشوند. در برخی کشورها دادستان ها نقش مهمی در تعیین مجازات ها دارند. بنابراین تلاش برای ارائه اطلاعات درباره زندان ها باید قطعاً در مورد پلیس و دادستان ها ضروری تلقی شود.<sup>۸</sup>

نقش پلیس و دادستان ها در این زمینه به قدری حائز اهمیت است که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۳۶ خود مقرر نموده است که پلیس و دادستان ها باید از مسائلی که ازدحام بیش از حد در زندان ها ایجاد می کند کاملاً آگاه شوند و باید در اداره زندان ها از حیث یافتن راه حل هایی برای مقابله با کاهش جمعیت در زندان مشارکت کنند.<sup>۹</sup>

به موجب قواعد توکیو به منظور تصمیم گیری در مورد اینکه آیا مناسب است مجرم آزاد شود یا به جرم وی در دادگاه رسیدگی شود. یک سری قوانین مدون باید در هر سیستم حقوقی ایجاد شود. دادستان ها باید بتوانند در مورد جرایم کم اهمیت مجازات های جایگزین مناسب را برای مجرم تعیین کنند.

مسئله مورد توجه دیگر خودداری از بازداشت های قبل از محاکمه است. به عبارت دیگر بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان آخرین راه حل در سیستم کیفری در نظر گرفته شود و استفاده از آن زمانی صورت گیرد که انجام تحقیق در مورد جرم ادعایی، حفظ امنیت اجتماع و حفظ حقوق قربانی جرم، بازداشت قبل از محاکمه را ضروری کند.

در سیستم های کیفری همه کشورها هر فرد بی گناه فرض می شود تا زمانی که جرم او در یک دادگاه صالح

اثبات شود. بنابراین شخصی که متهم به جرمی شده است نباید در طی محاکمه در حبس باشد مگر اینکه اوضاع و احوال چنین امری را مطلقاً لازم بدانند و حبس در طی محاکمه باید به عنوان یک اقدام استثنایی تلقی شود. در واقع دلیل حبس در طی محاکمه می تواند یکی از این موارد باشد:

**در مورد مجازات های جایگزین باید مکانیزم مناسبی ایجاد شود تا در صورتی که شخصی مجازات جایگزین را منطبق با حقوق بشری که از نظربین المللی شناخته شده است نداند، بتواند به یک مقام بالاتر توسل کرده و شکایت خود را ارائه دهد**

اجتماع را مورد توجه قرار دهد. قربانی جرم نیز باید به نحو مناسب مورد مشورت قرار گیرد. در قواعد توکیو مقام قضایی می تواند یکی از مجازات های جایگزین زیر را مورد استفاده قرار دهد:

#### الف) مجازات های دوستانه نظیر سرزنش، توبیخ رسمی و تذکر.<sup>۱۱</sup>

تذکر یا اخطار معمولاً برای جرایم کوچک به کار برده می شود. بهتر است در مورد مجرمین آسیب پذیر نظیر جوانان، سالخوردگان و مجرمینی که از ناراحتی روحی رنج می برند در صورت اقتضاء از این مجازات استفاده شود. گاهی اوقات ممکن است اخطار به صورت مشروط باشد<sup>۱۲</sup> یعنی شرایطی به اخطار اضافه شود مثلاً مجرم در یک مدت معین مرتکب جرم نشود و یا از رفت و آمد به محل های خاص خودداری کند.<sup>۱۳</sup>

#### ب - آزاد کردن به صورت مشروط<sup>۱۴</sup>

منظور از آزاد کردن در اینجا این است که متهم بدون اینکه حکمی برای وی صادر شود آزاد شود. آزاد کردن متهم ممکن است به صورت مطلق<sup>۱۵</sup> و یا به صورت مشروط باشد.

در آزاد کردن مشروط متهم بدون صدور حکم آزاد می شود مشروط بر اینکه هیچ جرم دیگری ظرف مدت معین که معمولاً سه سال است مرتکب نشود. اگر در مدت تعیین شده مرتکب جرم شود دادگاه می تواند او را برای جرم اصلی نیز محکوم کند.

سه شرط ضروری برای دادگاه برای صدور حکم آزاد کردن مشروط عبارتند از:

۱- تعلیق مراقبتی<sup>۱۶</sup> (که متعاقباً توضیح داده خواهد شد) مناسب نباشد، ۲- در قانون برای آن جرم مجازاتی تعیین نشده باشد و ۳- دادگاه تشخیص دهد که تنبیه مجرم با توجه به اوضاع و احوال مناسب نیست.<sup>۱۷</sup>

#### پ) مجازات های اقتصادی و پولی نظیر جریمه و جریمه های روزانه<sup>۱۸</sup>

#### ت) مصادره یا ضبط اموال<sup>۱۹</sup>

#### ث) اعاده وضع به حالت سابق<sup>۲۰</sup>

#### ج) مجازات تعلیقی یا معوق<sup>۲۱</sup>

در این مورد دادگاه حداکثر تا شش ماه از تاریخ وقوع جرم صدور حکم را به تاخیر می اندازد. دادگاه زمانی می تواند صدور حکم را به تاخیر اندازد که مجرم با آن موافقت کند. در این صورت دادگاه باید هرگونه تغییر در رفتار مجرم یا تغییر در اوضاع و احوال را در آن مدت ارزیابی کند.<sup>۲۲</sup>

۱- متهم ممکن است تهدیدی جدی برای جامعه باشد  
۲- تلاش برای فرار کند یا ۳- شاهد را تهدید کند یا از طرق دیگر تلاش کند تا جریان رسیدگی قضایی را منحرف کند. بنابراین هدف اصلی از حبس کردن متهم جلوگیری از هر یک از عوامل فوق است و در صورتی که این عوامل وجود نداشته باشد باید از جایگزین های بازداشت قبل از محاکمه استفاده شود.<sup>۱۰</sup>

جایگزین های بازداشت قبل از محاکمه باید تا حد ممکن در همان مرحله اول مورد استفاده قرار گیرد و به طور انسانی به اجرا در آید و به حیثیت ذاتی بشر احترام گذاشته شود. متهم باید حق داشته باشد که به یک مقام قضایی یا یک مقام مستقل دیگر در مواردی که بازداشت قبل از محاکمه مورد سوء استفاده قرار می گیرد شکایت و مراجعه کند.

#### ◇ فصل سوم - مرحله محاکمه و تعیین مجازات

در صورتی که در سیستم قضایی یک کشور امکان تحقیق و ارائه گزارش اجتماعی وجود داشته باشد، مقام قضایی می تواند از گزارشی که توسط یک فرد صالح یا یک موسسه رسمی تهیه شده است استفاده کند. گزارش باید حاوی اطلاعات اجتماعی متهم و الگوی شخصیتی وی و جرایم واقع شده باشد و در آن توصیه های تهیه کننده گزارش در مورد شیوه اجرای مجازات ذکر شود. تحقیق و ارائه گزارش باید واقعی، هدفمند و بدون تعصب صورت گیرد.

مقام قضایی باید یک سری مجازات های جایگزین را در دسترس خود داشته باشد و در زمان اخذ تصمیم در مورد مجازات جایگزین باید مسئله اصلاح مجرم و حفظ امنیت

## چ) تعلیق مراقبتی<sup>۲۳</sup> و نظارت قضایی

در این مورد دادگاه حکمی صادر می کند و به موجب آن مجرم را برای مدتی بین یک تا سه سال تحت نظارت یک ناظر<sup>۲۴</sup> قرار می دهد. مسئله قابل توجه در اینجا این است که این حکم با «رضایت مجرم» صادر می شود و جایگزین مجازات حبس است. حکم تعلیق مراقبتی می تواند برای هر مجرمی که بالای ۱۷ سال سن داشته باشد صادر شود. این احکام معمولاً در مورد مجرمینی صادر می شود که برای بار اول مرتکب جرم شده اند. این حکم در مورد جوانان، سالخورده‌گانی که نیاز به مراقبت دارند و مجرمینی که جرم آنها چندان شدید نیست نیز صادر می شود.

در این حکم شرایط نظارت و رفتار مجرم در دوران مراقبت ذکر می شود از جمله اینکه در چه محلی باید زندگی کند و در چه زمان هایی و چگونه باید به ناظر خود گزارش دهد. در حکم تعلیق مراقبتی به مجرم خاطر نشان می شود که باید هرگونه تغییر نشانی خود را به ناظر گزارش دهد. در این حکم ممکن است مقرر شود که مجرم در یک مرکز شبانه روزی که مورد تایید دادگاه است اقامت کند و یا ممکن است در حکم مقرر شود که مجرم در یک مرکز آموزش یادگیری مهارت های زندگی برای روبرو شدن با فشارهای زندگی مدرن مشغول به آموزش شود که می تواند حداکثر تا ۶۰ روز باشد.

اثر حقوقی تعلیق مراقبتی نظیر آزاد کردن مجرم است که قبلاً در مورد آن توضیح داده شد بدین ترتیب که اگر مجرم در دوران مراقبت مرتکب جرم جدیدی شود، مجازات جرم اصلی نیز در مورد او به اجرا گذاشته می شود. در صورتی که مجرم شرایط مقرر در حکم تعلیق مراقبتی را رعایت نکند ممکن است جریمه شود. در این صورت دادگاه می تواند حکم به انجام خدمات اجتماعی را نیز صادر کند و یا حکم صادر کند که مجرم به یک مرکز مراقبت مراجعه کند و یا نهایتاً مجازات جرم را بر روی تحمیل کند. حکم تعلیق مراقبتی را می توان در مورد مجرمینی نیز به کار برد که اگرچه مجنون نیستند ولی از بیماری روحی رنج می برند. در این صورت حکم باید حاوی شرایطی مربوط به درمان پزشکی باشد.<sup>۲۵</sup>

## ح) حکم به انجام خدمات اجتماعی<sup>۲۶</sup>

این حکم در مورد مجرمی صادر می شود که رضایت خود را اعلام کرده و حداقل ۱۶ سال داشته باشد. به موجب این حکم مجرم مجبور می شود که بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت کار بدون مزد انجام دهد.

این حکم به جای مجازات حبس صادر می شود و تحت نظارت یک ناظر<sup>۲۷</sup> به اجرا در می آید. این حکم بستگی به گزارش ناظر دارد و معمولاً طی دوازده ماه اجرا می شود مگر اینکه مدت آن تمدید شود. نقض حکم ممکن است منجر به جریمه شود و یا باعث لغو حکم گردد و در صورتی

که مجازات جرم اصلی زندان با شد ممکن است منتهی به اجرای مجازات زندان شود.<sup>۲۸</sup>

## خ) مراجعه به یک مرکز مراقبت

## د) توقیف در منزل

## ذ) ترکیبی از جایگزین های مذکور در فوق

## پی نوشت ها

۱-Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Human Rights and Prisons, Manual of Human Rights Training for Prison Officials, Geneva, ۲۰۰۵, p.۳.

۲-United Nations Congresses on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders.

۳-United Nations, Compendium of United Nations Standards and Norms in Crime Prevention and Criminal Justice, ۱۹۹۰, p.۱.

۴-Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners.

۵-United Nations Standard Minimum Rules for Non-custodial Measures (the Tokyo Rules).

۶-European Rules on Community Sanctions and Measures.

۷-Council of Europe, Committee of Ministers, the European Rules on Community Sanctions and Measures, Recommendation No.R(۹۲), ۱۹ October ۱۹۹۲, Rule ۳۰.

۸-Walmsley Roy, World Prison Populations: Facts, Trends and Solutions, United Nations Programme Network Institutes Technical Assistance Workshop, Vienna, ۱۰ may ۲۰۰۱, p.۹.

۹-United Nations, Economic and Social Council, Resolution ۱۹۹۷/۳۶, ۳۶th plenary meeting, ۲۱ July ۱۹۹۷.

۱۰-Coyle Andrew, Revision of the European Prison Rules. A Contextual Report, Strasbourg, ۲۹ November ۲۰۰۵, p.۵.

۱۱-Warning.

۱۲-Conditional Warning.

۱۳-Stem Vivien, Developing Alternatives in Central and Eastern Europe and Central Asia, COLPI paper No.۶, King's College London, International Center for Prison Studies, May ۲۰۰۲, p.۲۶.

۱۴-conditional discharge.

۱۵-absolute discharge.

۱۶-probation order.

۱۷-A Concise Dictionary of Law, Oxford Reference, 2nd Edition, UK: Oxford University Press, ۱۹۹۰, p.۱۲۹.

۱۸-day\_fines.

۱۹-confiscation.

۲۰-restitution.

۲۱-deferred sentence.

۲۲-A Concise Dictionary of Law, ibid, p۱۲۱.

۲۳-probation.

۲۴-probation officer.

۲۵-A Concise Dictionary of Law, ibid, p.۳۱۸.

۲۶-community service.

۲۷-probation officer.

۲۸-A Concise Dictionary of Law, Ibid, pp. ۷۹-۸۰.